

An Analytic and Comparative Study of the Narrations of Ashura in Tabari's and Bal'ami's Histories Based on Gerard Genette's Theory of Hypertextuality

Hamed Safi*

Abstract

The History of the Prophets and Kings (Tarikh al-Umam wa-l-Muluk) is the title of a book written by Muhammad ibn Jarir al-Tabari on the history of the world from the beginning of creation to the end of the year 915 AD. From Abu Ali Muhammad Bal'ami a book has reached us known as *The Book of History (Tarikhnam)* or *The History of Bal'ami*. It is believed by researchers that Bal'ami has translated al-Tabari's book into Farsi, removing some of the content and also adding some parts. In the present study, al-Tabari's narration of the events on the day of Ashura in 680 AD has been analyzed and compared based on the Gerard Genette's theory of hypertextuality. As stated by this theory, every text derives from earlier texts. The original text is called the hypotext, and the later text hypertext. In the process of the hypertext deriving from the hypotext some changes are produced which are called "transformation". According to the results of this study, Bal'ami's narration of the day of Ashura cannot be a translation of al-Tabari's. Exercising a variety of quantitative transformations is the main factor in distinguishing the former's narration from the latter's.

Keywords: The History of al-Tabari, Bal'ami, Ashura, Hypertextuality, Translation.

*Associate Professor, Department of General Courses and Fundamental Sciences, Khorramshahr University of Marine Sciences and Technology, Khorramshahr, Iran. safi@kmsu.ac.ir

Date received: 2020/12/24, Date of acceptance: 2023/05/08



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی تحلیلی و تطبیقی روایت عاشورا در تاریخ طبری و تاریخ بلعمی بر اساس نظریه فزون‌متنیت ژنت

حامد صافی*

چکیده

«تاریخ الامم و الملوک» یا «تاریخ الرسل و الملوک» نام کتابی است که محمد بن جریر طبری در تاریخ جهان از آغاز خلقت تا پایان سال ۳۰۲ هجری قمری به رشته تحریر درآورده است. از ابوعلی محمد بلعمی کتابی به دست ما رسیده است که با نام «تاریخ‌نامه طبری» یا «تاریخ بلعمی» شناخته می‌شود. باور پژوهشگران بر آن است که بلعمی کتاب طبری را به فارسی برگردان کرده و مطالبی از آن کاسته و بخشی‌هایی را نیز برافزوده است. در پژوهش حاضر، روایت طبری و بلعمی از رویدادهای روز عاشورای سال ۶۱ هجری قمری، تجزیه، مقایسه و تحلیل شده است. این پژوهش با تکیه بر نظریه فزون‌متنیت ژرار ژنت انجام شده است. بر اساس این نظریه، همه متون از متون پیش از خویش برگرفته شده‌اند. متن آغازین، «پیش‌متن» و متن پسین، «بیش‌متن» نامیده می‌شود. در جریان برگرفتنی بیش‌متن از پیش‌متن، تغییراتی حاصل می‌شود که «گشتار» نام دارد. بر اساس نتایج این پژوهش، روایت بلعمی از روز عاشورا نمی‌تواند ترجمه‌ای از روایت طبری باشد. اعمال انواع گشتار کمی مهم‌ترین عامل دگرگونی روایت بلعمی نسبت به روایت طبری بوده است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ طبری، بلعمی، عاشورا، فزون‌متنیت، ترجمه

* استادیار گروه دروس عمومی و علوم پایه، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر،

خرمشهر، ایران safi@kmsu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه و بیان مسأله پژوهش

رونالد یاکوبسن هنگام بحث درباره نقش‌های زبان، نموداری را ترسیم می‌کند که در یک سوی آن، گوینده (فرستنده) و در سوی دیگر، مخاطب (گیرنده) قرار دارد. گوینده پیامی را برای مخاطب می‌فرستد. تنها در صورتی مخاطب این پیام را به درستی دریافت خواهد کرد که گوینده آن را رمزگذاری کرده و مخاطب آن را رمزگردانی کند (فالر و دیگران، ۱۳۶۹: ۷۷). فرآیند رمزگذاری و رمزگردانی می‌تواند از مجرای گفتار یا نوشتار انجام شود. طبیعتاً این سخن یاکوبسن ناظر بر افراد یک زبان است؛ یعنی کسانی که با زبانی مشترک سخن می‌گویند و رمزگذاری پیام در قالب همان زبان مشترک میان فرستنده و گیرنده انجام می‌شود. بنابراین، اگر یک فرستنده پیامی را در زبانی رمزگذاری کند که گیرنده نسبت به آن ناآشناست، مرحله رمزگردانی با مانعی جدی روبرو می‌شود و پیام منتقل نخواهد شد. در چنین شرایطی است که رمزگردانی باید به شیوه‌ای دیگر یا توسط شخصی دیگر انجام شود. اینجاست که پای ترجمه و مترجم در ارتباط بین افراد با زبان‌های گوناگون باز می‌شود. ژان دلیل بر این باور است که ترجمه یک فرآیند ذهنی ۳ مرحله‌ای است: مترجم مطلب را درک می‌کند، صورت‌بندی مجدد و سپس تأیید و تصدیق درستی راه حل انجام می‌شود (دلیل، ۱۳۸۱: ۸۰-۷۸). تعریف کتفورد از ترجمه این است که در ترجمه یک متن را در زبان مبدأ با معادلش در زبان مقصد جایگزین می‌کنیم. (catford, 2000: 21) اصطلاح ترجمه برای یاکوبسن گستردگی بسشتتری دارد. او سه نوع ترجمه درون‌زبانی ۱ (بازنویسی یک متن در یک زبان)، بین‌زبانی ۲ (انتقال مطلب از زبانی به زبان دیگر) و میان‌نشانه‌ای ۳ (انتقال یک پیام از نشانه‌های لفظی به نشانه‌های غیرلفظی) را معرفی می‌کند (Jakobson, 1995: 113). پیتر نیومارک ترجمه را به دو نوع ترجمه معنایی (انتقال متن مبدأ در نزدیک‌ترین معادل و در چهارچوب ساختارهای معنایی دستور زبان) و ترجمه ارتباطی (تأثیر همسان متن ترجمه‌شده و متن مبدأ بر مخاطب) تقسیم کرده است. (Newmark, 1982: 39) از نظر هلبک، ترجمه نتیجه پوشاندن معنای واحد در قالب واژگان زبان دیگر است که به دلیل

۲۴۵ بررسی تحلیلی و تطبیقی روایت عاشورا در تاریخ طبری و تاریخ بلعمی بر اساس نظریه فزون‌متنیت

ژنت (حامد صافی)

محدودیت‌های زبان مقصد یا تغییرات عمدی به خاطر مخاطبان ترجمه، افت معنایی حاصل می‌شود. در واقع، ترجمه در دو مرحله انجام می‌شود: آفرینش مجدد و تغییر. آفرینش مجدد کدگذاری دوباره است؛ به گونه‌ای که کد مبدأ در کد مقصد ایجاد شود. تغییر نیز فرآیندی است که به وسیله آن، مفاد متن اصلی تغییر می‌کند (هلبک، ۱۳۷۲: ۱۵۰). نظر هلبک شباهت بسیاری به نظر ژرار ژنت دارد. به باور ژنت، ترجمه یکی از انواع گشتاره در تغییر متون است (Genette, 1997: 124).

با این که نظرات گوناگونی درباره فرآیند ترجمه وجود دارد، ترجمه‌ناپذیری زبان‌ها باوری ژرف در میان پژوهشگران به شمار می‌رود. نهضت ترجمه‌ناپذیری یک نتیجه‌گیری ناگزیر از قوم‌زبان‌شناسی است که بر اساس آن، سامانه‌های متعدد زبانی بر برش‌های متفاوتی مبتنی هستند و نمی‌توان به تطبیق این برش‌ها پرداخت. سامانه‌های واجی بر برش‌های آوایی، سامانه‌های واژگانی بر برش‌های مفهومی تکیه دارند و سامانه‌های دستور زبان از برش‌های نحوی فرمان می‌برند (ریکور، ۱۳۹۲: ۲۹). برخی نیز به جای دو شقی نظری ترجمه‌پذیری/ترجمه‌ناپذیری، دو گانه امانت/خیانت را مطرح کردند (همان، ۲۸). در نظرات ژرار ژنت درباره ترجمه می‌توان دو گانه ضررپذیری/ضررناپذیری (کم‌ضررپذیری) دست یافت. ژنت بر این باور است که هر مفهومی که می‌تواند به یک زبان گفته شود، به زبان دیگر هم قابل بیان است، مگر آن که فرم در آن، عنصر ضروری پیام باشد و این تفاوتی است که میان شعر و نثر وجود دارد. پس متونی که ترجمه می‌شوند؛ دو دسته هستند؛ نخست متونی که فرم عنصری از پیامشان است و با ترجمه، این فرم انتقال نمی‌یابد و متضرر می‌شوند؛ چرا که بخش مهمی از پیامشان مغفول می‌ماند. دیگر، متونی که به دلیل آن که فرم جزئی از پیامشان به حساب نمی‌آید، با ترجمه متضرر نمی‌شوند (Genette, 1997: 124-125). در فهرست کتب تاریخ، «تاریخ الامم و الملوک» یا «تاریخ الرسل و الملوک» نام کتاب محمد بن جریر طبری دانسته شده که از خلقت عالم تا حوادث سال ۳۰۲ هج را در برمی‌گیرد. در سال ۳۵۲ هج ابوعلی محمد بلعمی این کتاب را به فارسی برگرداند (انوار، ۱۳۹۳: ۱۳۱). این ترجمه به دستور امیر منصور بن نوح سامانی

انجام شد. ابوعلی بلعمی در آن روزگار، وزیر دولت سامانی بود و حق استفاده از بهترین منابع و بزرگترین کتابخانه آن روزگار را داشت (التون، ۱۳۹۳: ۱۶۵۶). در پژوهش حاضر، روایت محمد بن جریر طبری از حوادث روز عاشورا با روایت بلعمی از منظر فزون‌متنیّت ژنت مقایسه خواهد شد. از طریق این مقایسه و بررسی به دنبال پاسخ این پرسش اصلی هستیم که مهمترین دگرگونی‌های روایت بلعمی نسبت به روایت طبری چیست و خاستگاه این تغییرات را در کجا باید پیگیری کرد

۲. مبانی نظری پژوهش

ژرار ژنت، زبان‌شناس فرانسوی، در کتاب الواح بازنوشتی، نظریه فزون‌متنیّت را به تفصیل توضیح داده‌است. در فزون‌متنیّت تأثیر متن الف در متن ب مورد توجه است به بیانی دیگر، مسئله اصلی و تعیین‌کننده الهام‌بخشی متن الف در آفرینش متن ب است؛ متن ب یا فزون‌متن (hypertext) با متن الف یا پیش‌متن (hypotext) به نحوی ارتباط دارد که متن ب تفسیر متن الف نباشد. (Genette, 1997:5) بنابراین، در این نظریه، متن الف منبع الهام و سرچشمه است و متن ب با الهام از پیش‌متن، آفریده می‌شود. ژنت رابطه فزون‌متنیّت را به دو شیوه تقلید (imitation) و دگرگونگی (transformation) دسته‌بندی کرده‌است. در فزون‌متنیّت تقلیدی، نویسنده پیش‌متن، در تلاش است تا پیش‌متن حفظ شود، اما در وضعیتی جدید. در دگرگونگی، پیش‌متن دچار تغییر و دگرگونگی می‌شود. روابط تقلید و دگرگونی در سه حالت (mood) تفنّن (playful)، هجو (satirical) و جدی (serious) ایجاد می‌شوند. (ibid:28) ژنت دگرگونی متون برای آفرینش اثر جدید را گشتار (transformation) می‌نامد. در جدول زیر انواع گشتارها از نظر ژنت دیده می‌شود: (ibid:229-330)

۲۴۷ بررسی تحلیلی و تطبیقی روایت عاشورا در تاریخ طبری و تاریخ بلعمی بر اساس نظریه فزون‌متنیت
ژنت (حامد صافی)

جدول ۱- انواع گشتار در نظریه فزون‌متنیت

گشتارهای کمی (quantitative transformation)	گشتارهای کاربردی (pragmatic transformation)
<p>کاهش</p> <p>۱- برش (excision): کاهش در مضمون و محتوا</p> <p>۲- تراش (concision): کاهش متن با مقاصد سبکی و زیبایی‌شناختی</p> <p>۳- تلخیص تخلیص (digest) اعمال همزمان برش و تراش</p>	<p>ارزش (transvaluation)</p> <p>۱- ارزش‌کاهی (devaluation): تنزل قهرمان داستان از بزرگی قهرمانانه. اثر ادبی، اثر پیش از خود را مسخره می‌کند.</p> <p>۲- ارزش‌افزایی (revaluation): ارائه بهتر شخصیت داستان با اصلاح نظام ارزشی</p> <p>۳- دگرارزشی (Transvaluation): ارزشمند شدن موارد بی‌ارزش، بی‌ارزش شدن موارد ارزشمند</p>
<p>افزایش</p> <p>۱- انبساط (extension): افزایش مضمون و محتوا</p> <p>۲- گسترش (expansion): در گسترش با افزایش سبکی با رویکرد زیبایی‌شناختی روبرو هستیم</p> <p>۳- فزون‌سازی (amplification): اعمال همزمان انبساط و گسترش</p>	<p>انگیزه (Transmotivation)</p> <p>تکرار، حذف یا جایگزینی انگیزه</p> <p>کیفی (Transmodalization)</p> <p>۱- درون‌کیفی intermodalization تغییر و دگرگونی در کارکرد درونی و شیوه روایتگری و نمایش بدون تغییر در ژانر</p> <p>۲- بیناکیفی intramodalization دگرگونی روایت به نمایش (Dramatization)، دگرگونی نمایش به روایت</p> <p>روایت (Narrativization)</p>

برای آنکه مقایسه دو روایت و دستیابی به گشتارهای اعمال‌شده دقیق‌تر انجام شود، هر دو روایت در حد پیرفت ۶ و گزاره ۷ تجزیه خواهد شد. پیرفت واحد پایه روایت است که با تلفیق آن، داستان ایجاد می‌شود (اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۴۰). از نظر بارت ۵ (۱۹۸۰-۱۹۱۵)، زبان‌شناس فرانسوی، تداوم منطقی نقش ویژه‌ها پیرفت را تشکیل می‌دهد که با هم مناسبتی

درونی و مستحکم دارند (احمدی، ۱۳۷۰:۲۳۲). کوچک‌ترین واحد پایه یک روایت را گزاره می‌نامند. پراپ ۸ از واژه خویشکاری استفاده می‌کند (۱۳۶۸:۵۳) و اسکولز از اصطلاح کارکرد بهره می‌برد (۱۳۷۹:۱۱۰). گزاره یک کنش (Action) یا عمل داستانی است که در قالب یک جمله یا عبارت بیان می‌شود. برای آنکه بُعد معنایی گزاره‌ها، تفاوت‌ها و شباهت‌های معنایی گزاره‌ها از روایتی به روایت دیگر آشکارتر شود، همه گزاره‌ها رمزگان‌گذاری خواهد شد. برای این کار از با حروف اختصاری داخل استفاده خواهد شد: رمزگان کنشی (Active = A)، رمزگان کنش روان شناختی (Psychological Act = AP)، رمزگان کنش گفتگویی (Dialogue Act = AD)، رمزگان پند (Maxim = Ma)، رمزگان اطلاعاتی (Informative = I)، رمزگان نامگذاری (Entitle = E) (بامشکی، ۱۳۹۱: ۴۱۵ و ۴۱۶).

۳. پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش‌های گوناگونی پیرامون مقایسه تاریخ طبری و ترجمه آن، تاریخ بلعمی، انجام شده که مهم‌ترین آن به شرح زیر است: ۱. محمدتقی بهار در مقاله‌ای با عنوان «ترجمه تاریخ طبری» به اختصار درباره ویژگی‌های زبانی و ادبی ترجمه تاریخ طبری، نسخه‌های موجود آن و تفاوت میان این نسخه‌ها توضیحاتی ارائه داده است (۱۳۱۰: ۱۳۴-۱۴۴). ۲. «مطالعه تطبیقی تاریخ ایران باستان در روایات طبری و بلعمی» عنوان پایان‌نامه‌ای است که نویسنده در آن به بررسی تطبیقی تاریخ طبری و تاریخ بلعمی پرداخته و سعی کرده اختلافات این دو متن در سه بخش حذفیات، اضافات و تغییرات را مشخص و منابعی را که بلعمی برای افزوده‌های خود استفاده کرده تعیین کند (فضلی، ۱۳۸۷: ۱۱). ۳. «بررسی و مقایسه داستان‌های تاریخ طبری، بلعمی، شاهنامه و سیاستنامه» پژوهش دیگری است که به مقایسه و بررسی داستان‌های مشترک در سه اثر مذکور اختصاص داده شده است (صدیقی ینگی ارخ، ۱۳۹۰: ۱۲). ۴. «روایت بلعمی از تاریخ صدر اسلام»، مقاله‌ای است که نویسنده در آن به بررسی روایت بلعمی از تاریخ اسلام، از ولادت پیامبر تا خلافت ابوبکر، پرداخته

۲۴۹ بررسی تحلیلی و تطبیقی روایت عاشورا در تاریخ طبری و تاریخ بلعمی بر اساس نظریه فزون‌متنیت
ژنت (حامد صافی)

و در پی پاسخ به این پرسش‌ها بوده‌است که بلعمی دقیقاً چه چیزی را برای حذف یا افزودن انتخاب کرده و چرا؟ هنگامی که ترجیح داد طبری را تکمیل کند از چه سرچشمه‌هایی بهره برد؟ طبق نتایج این پژوهش، بلعمی از روی نسخه‌ای مغلوط از تاریخ طبری کار می‌کرده‌است (التون، ۱۳۹۳: ۱۶۵۶ و ۱۶۷۸) ضعف اساسی که همه این پژوهش‌ها فقدان روشی متن و مناسب برای تجزیه و مقایسه دو متن است. به همین دلیل، اکثر این پژوهش‌ها به نتایج مشابهی از این قبیل دست یافته‌اند که بلعمی در ترجمه خود دست به حذف، اضافه و تغییر زده‌است. در حالی که در پژوهش حاضر، با تجزیه دو روایت در حد گزاره و پیرفت و با تکیه بر نظریه فزون‌متنیت، همسانی و ناهمسانی‌ها به گونه‌ای روشمند، بررسی و تحلیل خواهد شد.

۴. بررسی و تحلیل داده‌های پژوهش

روایت تاریخ طبری

۱- آرایش سپاه امام حسین ۲- آرایش سپاه عمر بن سعد ۳- شرایط روحی یاران امام ۴- دعای امام ۵- گفتگوی امام و شمر ۶- گفتگوی امام با سپاه عمر سعد ۷- گفتگوی زهیر بن قین با یاران امام ۸- گفتگوی حر با عمر سعد ۹- پیوستن حر به سپاه امام ۱۰- گفتگوی حر با سپاهیان عمر سعد ۱۱- آغاز نبرد با پرتاب تیر عمر سعد ۱۲- پیوستن عبدالله عمیر کلبی به امام ۱۳- نبرد عبدالله بن عمیر کلبی ۱۴- حمله عمرو بن حجاج به سپاه امام ۱۵- مرگ عبدالله بن حوزه ۱۶- گفتگوی بریر با یزید بن معقل ۱۷- نبرد بریر با یزید بن معقل ۱۸- شهادت بریر ۱۹- سرزنش قاتل بریر ۲۰- شهادت عمرو بن قرظ ۲۱- نبرد حر ۲۲- نبرد نافع بن هلال ۲۳- گفتگوی عمرو بن حجاج با سپاهیان عمر ۲۴- گفتگوی عمرو بن حجاج با سپاهیان امام ۲۵- شهادت مسلم بن عوسجه ۲۶- گفتگوی مسلم و حبیب ۲۷- گفتگوی یاران عمرو بن حجاج درباره شهادت مسلم ۲۸- حمله شمر به سپاه امام ۲۹- گفتگوی سپاهیان عمر سعد ۳۰- گسیل تیراندازان به سمت سپاه امام ۳۱- روایت ایوب بن مشر از شهادت حر ۳۲- حمله به خیام امام ۳۳- شهادت همسر عبدالله بن عمیر کلبی ۳۴- حمله شمر به خیام امام ۳۵- گفتگوی ابو ثمامه با امام ۳۶- شهادت حبیب ۳۷- گفتگوی قاسم بن حبیب با حامل سر حبیب ۳۸- نبرد یاران امام ۳۹- نبرد یاران امام پس از نماز ظهر ۴۰- نبرد نافع بن

هلال ۴۱- رجزخوانی شمر ۴۲- نبرد پسران عزره. ۴۳- نبرد پسران سریع ۴۴- شهادت حنظله ۴۵- شهادت دو جوان جابری ۴۶- شهادت شوذب ۴۷- شهادت عابس ۴۸- نبرد ضحاک بن عبدالله ۴۹- شهادت ابوالشعنا ۵۰- شهادت چند تن از یاران امام ۵۱- شهادت علی اکبر ۵۲- شهادت چند تن از اهل بیت ۵۳- شهادت قاسم ۵۴- حمله مالک بن نسیر به امام ۵۵- شهادت عبدالله بن حسین ۵۶- شهادت برادران عباس ۵۷- شهادت پسری از خاندان امام ۵۸- اصابت تیر به دهان امام ۵۹- یورش شمر به خیام امام ۶۰- شهادت عبدالله بن حسن ۶۱- نفرین امام ۶۲- عاقبت بحر بن کعب ۶۳- اجتناب عبدالله بن عمار از کشتن امام ۶۴- حمله امام به پیادگان سپاه عمر ۶۵- خروج زینب از خیام ۶۶- گفتگوی امام با سپاه عمر ۶۷- شهادت امام ۶۸- غارت لباس‌های امام ۶۹- شهادت سوید بن عمرو ۷۰- حمله به خیمه امام سجاد ۷۱- رجزخوانی سنان بن انس ۷۲- زنده ماندن چند تن از یاران امام ۷۳- تازش اسب بر پیکر امام ۷۴- گزارش تعداد کشتگان

روایت بلعمی

۱- گفتگوی امام با سپاه عمر سعد ۲- پیوستن حر به سپاه امام ۳- آغاز نبرد با پرتاب تیر عمر ۴- مرگ عبدالله بن حوزه ۵- نبرد حبیب ۶- نبرد بریر ۷- نبرد نافع ۸- تیرباران لشکر عمر ۹- شهادت یاران امام ۱۰- شهادت علی اکبر ۱۱- شهادت عبدالله بن مسلم و جعفر بن عقیل ۱۲- شهادت قاسم بن محمد ۱۳- شهادت برادران عباس ۱۴- اجتناب لشکریان عمر از کشتن امام ۱۵- شهادت عبدالله بن حسین ۱۶- اصابت تیر به دهان امام ۱۷- آهنگ عمر کشتن امام ۱۸- نبرد امام با پیادگان لشکر عمر ۱۹- شهادت امام ۲۰- غارت لباس‌های امام ۲۱- حمله به خیمه امام سجاد ۲۲- تازش اسب بر پیکر امام

مقایسه و تحلیل دو روایت

همان گونه که در نگاه نخست مشخص است، روایت بلعمی نسبت به روایت طبری کوتاه‌تر شده است. به جز ۱۵ پیرفت مشترکی که با رنگ قرمز تعیین شده‌اند، دیگر پیرفت‌ها با اعمال گشتار برش، در روایت بلعمی حذف شده‌اند. ۷ پیرفت دیگر نیز با اعمال گشتار انبساط، به روایت افزوده شده‌اند. بلعمی از این طریق سیر کلی روایت طبری را نقل و از پرداختن به جزئیات اجتناب کرده است. در جدول زیر، برابرنهاد پیرفت‌های مشترک دو روایت دیده می‌شود:

۲۵۱ بررسی تحلیلی و تطبیقی روایت عاشورا در تاریخ طبری و تاریخ بلعمی بر اساس نظریه فزون‌متنیت
ژنت (حامد صافی)

جدول ۲- پیرفت‌بندی روایت

روایت بلعمی	روایت طبری	پیرفت
<p>۱-روز آدینه بود، روز عاشورا^I</p> <p>۲-عمر بن سعد سپاه را بیاراست و به حرب آمد^A</p> <p>۳-حسین از اسب فرود آمد و بر جمازه نشست و پیش صف اندر آمد چنانکه همه لشکر عمر سعد او را دیدند^A</p> <p>۴-خطبه کرد و گفت: یا اهل کوفه، AD ...</p> <p>۵-پس هیچکس جواب نداد حسین را^I</p> <p>۶-پس حسین علیه‌السلام گفت: الحمدلله که حجت خدای بر شما است و من از من بر شما لازم است و شما را بر من حجت نیست. پس دیگر باره حسین از ایشان هر یک را نام برد و گفت: یا فلان و یا فلان و یا فلان، و نه شما مرا نامه کردید و گفتید بیای، و با مردم من مرا بیعت کردید و مرا بخواندید، اکنون مرا بخوانید کشتن؟^{AD}</p>	<p>۱-کان مع الحسین فرس له یدعی ..^{A-}</p> <p>۲-فلما دنا منه القوم عاد براحلته فرکیها^A</p> <p>۳-ثم نادى بأعلى صوته دعاء ... AD</p> <p>۴-قال فلما سمع أخواته كلامه ...^A</p> <p>۵-قال لهما أستاها فلعمری لیکنن بکاؤهن AD</p> <p>۶-فلما ذهب لیسکتاهن قال لا یبعد ابن عباس AD ۷-قال فظننا أنه إنما قالها حين سمع .. AD</p> <p>۸-فلما سکتن حمد الله و أثنی علیه و AD ...</p> <p>۹-فقال له شمر بن ذی الجوشن .. AD</p> <p>۱۰-فقال له حبيب بن مظاهر والله إنی ... AD</p> <p>۱۱-ثم قال لهم الحسین فإن کنتم فی شک من هذا القول أفتشکون أترا AD ...</p>	<p>۱-گفتگوی امام با سپاه عمر سعد^۱</p>

۱ شماره‌گذاری پیرفت‌ها نشانه ترتیب آنها به صورت پیوسته نیست و تنها برای نظم در تحلیل آنها انجام شده‌است.

<p>۷- پس ایشان جواب دادند که ما از بیعت تو بیزاریم^{AD}</p> <p>۸- حسین گفت: الحمدلله که شما را بر خدای و پیغمبر حجت نماند. پس گفت: اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَ AD..</p> <p>۹- پس اشتر بخوابانید و بر اسب نشست و صف راست کرد و بیستاد، و چشم همی داشت تا ابتدا ایشان کنند^A</p>	<p>۱۲- قال فأخذوا لا يكلمونه^I</p> <p>۱۳- قال فنادی يا شيبث بن ربعي و يا حجار بن أبجر و يا قيس بن الأشعث و يا يزيد بن الحارث أ لم تكتبوا إلي أن قد أئبعت الثمار و اخضر الجناب و طمت الجمام و إنما تقدم على جند لك مجند فأقبل^{AD}</p> <p>۱۴- قالوا له لم نفعل^{AD}</p> <p>۱۵- فقال سبحان الله...^{AD}</p> <p>۱۶- ثم قال أيها الناس إذ كرهتموني فدعوني أنصرف عنكم إلى ما أمتنى من الأرض^{AD}</p> <p>۱۷- قال فقال له قيس بن الأشعث.. AD</p> <p>۱۸- فقال الحسين أنت أخو أخيك AD ...</p> <p>۱۹- إنه أناخ راحلته و أمر عقبة بن سمعان..^A</p>	
<p>۱- پس خُر بن یزید التمیمی که پیش حسین باز رفته بود و او را گفته که سپاه آمد، پیش حسین رفت^A</p> <p>۲- سلام کرد و او را و پیغمبر را درود داد^{AD}</p> <p>۳- حسین جواب داد و گفت: به چه کار آمدی؟^{AD}</p>	<p>۱- قال فأقبل حتى وقف من الناس موقفا^A</p> <p>۲- معه رجل من قومه يقال له قرّة بن قيس^E</p> <p>۳- فقال يا قرّة هل سقيت فرسك اليوم^{AD}</p>	<p>۲- پیوستن حر به سپاه امام</p>

<p>۴-گفت: بدان آدمم تا جان پیش تو فدا کنم و .. AD</p> <p>۵-حسین گفت: تو را شهادت خوش باد و به بهشت تو را بشارت باد، تو آزاد مردی همچنانکه نامت AD</p>	<p>۴-قال لا AD</p> <p>۵-قال إنما تريد أن تسقيه AD</p> <p>۶-قال فظننت والله أنه يريد أن يتنحى AP ...</p> <p>۷-قال فوالله لو أنه ... AD</p> <p>۸- قال فأخذ يدنو من حسين قليلا قليلاً^A</p> <p>۹-فقال له رجل من قومه يقال له المهاجر بن أوس ما .. AD-E</p> <p>۱۰- فسكت وأخذه مثل العروء^A</p> <p>۱۱-فقال له يابن يزيد... AD</p> <p>۱۲-قال إني... AD</p> <p>۱۳- فقال له جعلني الله فداك يابن رسول الله أنا صاحبك الذي... AD</p> <p>۱۴-قال نعم يتوب الله عليك و يغفر لك ما اسمك AD</p> <p>۱۵- قال أنا الحر بن يزيد AD-E</p> <p>۱۶- قال أنت الحر كما سمتك أمك أنت الحر إن شاء الله في الدنيا والآخرة انزل AD</p> <p>۱۷- قال أنا لك فارسا .. AD</p> <p>۱۸- قال الحسين فاصنع يرحمك الله... AD</p>	
<p>۱-پس شمر عمر را گفت: چه</p>	<p>۱-زحف عمر بن سعد نحوهم^A</p>	<p>۳-آغاز نبرد با</p>

<p>روزگار بری، فراز حرب آی^{AD} ۲- عمر تیر در کمان نهاد^A ۳- و گفت: شما گواه باشید که نخست تیر من انداختم، و تیر را بینداخت^{AD}</p>	<p>۲- ثم نادی یا ذوید أذن راینتک^{AD} ۳- فأدناها ثم وضع سهمه فی کبد قوسه ثم رمی^A ۴- فقال اشهدوا أني أول من رمی^{AD}</p>	<p>پرتاب تیر عمر سعد</p>
<p>۱- پس مردی از لشکر عمر سعد بیرون آمد به نام عبدالله بن حوزة^{A-E} ۲- حسین را گفت: بشارت باد تو را به آتش^{AD} ۳- حسین گفت: آن روز مباد که من نزدیک خدای شوم و آتش امید دارم. پس گفت: یا رب، این را هلاک کن^{AD} ۴- راست چون عبدالله برگشت، پای اسپش به چاهی فرو شد و از اسب بیفتاد و پایش به رکاب اندر بماند و او را بر زمین همی کشید تا بمرد^I</p>	<p>روایت ۱ ۱- ثم إن رجلا من بنی تمیم یقال له عبدالله بن حوزة جاء حتی وقف أمام الحسین^{A-E} ۲- فقال یا حسین یا حسین^{AD} ۳- فقال حسین ما تشاء^{AD} ۴- قال أبشر بالنار^{AD} ۵- قال کلا إني أقدم علی رب رحیم و شفیع مطاع من هذا^{AD} ۶- قال له أصحابه هذا ابن حوزة^{AD-E} ۷- قال رب حزه إلی النار^{AD} ۸- قال فاضطرب به فرسه فی جدول فوقع فیه و تعلقت رجله بالركاب و وقع رأسه فی الأرض و نفر الفرس فأخذ یمر به فیضرب برأسه کل حجر و کل شجرة حتی مات^{A-I} روایت ۲ ۱،.....، ۱۶</p>	<p>۴- مرگ عبدالله بن حوزة</p>
<p>۱- پس دو تن از لشکر عمر بیرون آمدند^A</p>	<p>۱- برز کل واحد منهما لصاحبه^A</p>	<p>۵- نبرد بربر</p>

<p>۲- مولیان عبیدالله بن زیاد، یکی را یسار نام و دیگر سالم، و مبارز خواستند^{A-E}</p> <p>۳- از لشکر حسین دو تن بیرون آمدند حبیب المظاهر و بریر بن الحُضیر^{A-E}</p> <p>۴- و آن هر دو را بکشند^A</p> <p>۵- پس مردی بیرون آمد به نام یزید بن معقل^{A-E}</p> <p>۶- و از لشکر حسین بریر بن الحُضیر بیرون آمد^A</p> <p>۷- و معقل را بکشت^A</p> <p>۸- و دیگری بیرون آمد^A</p> <p>۹- بریر بن الحُضیر او را نیز بکشت^A</p>	<p>۲- فاختلفا ضربتین^A</p> <p>۳- فضرب یزید بن معقل بریر بن حُضیر ضربة خفيفة لم تضره شیئا^A</p> <p>۴- و ضربه بریر بن حُضیر ضربة قدت المغفر و بلغت الدماغ^A</p> <p>۵- فخر كأنما هوی من حالق^A</p> <p>۶- و إن سیف بن حُضیر لثابت فی رأسه فکأنی أنظر إليه ینضنه من رأسه^A</p> <p>۷- و حمل علیه رضی بن متقد العبدی^A</p> <p>۸- فاعتق بریرا^A</p> <p>۹- فاعترکا ساعة^A</p> <p>۱۰- ثم إن بریرا قعد علی صدره فقال رضی أين أهل المصاع و الدفاع^A</p>	
<p>۱- پس مُزاحم بن الحُرث بیرون آمد از لشکر عمر سعد^A</p> <p>۲- و مردی از لشکر حسین بیرون آمد نافع بن هلال^A</p> <p>۳- و او را بکشت^A</p>	<p>۱- نافع بن هلال کان یقاتل یومئذ^A</p> <p>۲- و هو یقول أنا الجملی أنا علی دین علی^{AD}</p> <p>۳- فخرج إليه رجل یقال له مزاحم بن حرث^{A-E}</p> <p>۴- فقال أنا علی دین عثمان^{AD}</p> <p>۵- فقال له أنت علی دین شیطان^{AD}</p> <p>۶- حمل علیه فقتله^A</p>	<p>۶- نبرد نافع بن هلال</p>
<p>۱- و روز گرم شد و یاران حسین</p>	<p>۱- دعا عمر بن سعد الحصین بن</p>	<p>۷- پرتاب تیر به</p>

<p>تشنه شدند^I</p> <p>۲- عمرو بن الحجاج بر میمنه بود^I</p> <p>۳- او را گفت: دل بر مرگ نهادند، کس با ایشان بر نیاید، به یکبار حمله باید کردن^{AD}</p> <p>۴- پس عمر بفرمود تا تیراندازان در پیش آمدند و تیرباران بر لشکر حسین کردند و همه لشکر حسین را مجروح کردند، و بیست تن را از لشکر حسین بکشتند و آنچه بماندند صبر همی کردند^A</p>	<p>تمیم^A</p> <p>۲- فبعث معه المجففة و خمسمائة من المرامية^A</p> <p>۳- فأقبلوا حتى إذا دنوا من الحسين و أصحابه^A ۴- رشقوهم بالنبيل^A</p> <p>۵- فلم يلبثوا أن عقروا خيولهم و صاروا رجالة كلهم^A</p>	<p>سوی سپاه امام</p>
<p>۱- حسین با برادران و فرزندان و عم‌زادگان و اهل بیت خویش بماند^I</p> <p>۲- حسین گفت: اکنون نوبت به من رسید^{AD} ۳- ایشان گفتند: تا ما زنده باشیم نیکو نباشد که تو پیش حرب شوی^{AD}</p> <p>۴- پس نخستین کسی از اهل بیت حسین، پسر مهترین او بود علی الاکبر^{I-E}</p> <p>۵- همی گفت: انا علی بن حسین^{AD} بن ...</p> <p>۶- ده حمله بکرد پیش پدر و به هر حمله ای دو سه را بیفگند^A</p> <p>۷- تشنگی غلبه کرد و زبانش خشک شد^I</p>	<p>۱- كان أول قتيل من بني أبي طالب يومئذ علي الأكبر بن الحسين بن علي^{I-E}</p> <p>۲- أمه لیلی ابنة أبي مرة بن عروة بن مسعود الثقفي^{I-E}</p> <p>۳- ذلك أنه أخذ يشد علي الناس^A</p> <p>۴- و هو يقول ... أنا علي بن حسين بن علي ..^{AD}</p> <p>۵- ففعل ذلك مرارا^{AD}</p> <p>۶- فیصر به مرة بن منقذ بن النعمان العبدی^A</p> <p>۷- فقال علي اثم العرب إن مر بي يفعل مثل ما كان يفعل إن لم أتكلمه^{AD} أباه</p>	<p>۸- شهادت علی اکبر</p>

<p>۸- سوی پدر آمد و گفت: ای پدر، مرا تشنه است^{AD}</p> <p>۹- حسین گفت: جان پدر، جان و تن من فدای شما باد، چه توانم کردن^{AD}</p> <p>۱۰- پس فراز شد و زبان در دهان پسر نهاد^A ۱۱- دیگر باره علی بازگشت و حمله کرد^A</p> <p>۱۲- و مردی پیش او آمد نامش مُرّه بن منقذ^{A-E}</p> <p>۱۳- از پس وی اندر آمد و شمشیری بزدش و او را بیفگند^A</p> <p>۱۴- جمعی گرد وی اندر آمدند و او را پاره پاره کردند^A</p> <p>۱۵- چون حسین آن را بدید بگریست به آواز بلند، و هیچکس تا آن وقت آواز حسین نشنیده بود^{AP}</p> <p>۱۶- و زینب از خیمه بیرون آمد و خویشتن را بر علی افگند و خروش برخاست^A</p>	<p>۸- فمر یشد علی الناس بسيفه^A</p> <p>۹- فاعترضه مرة بن منقذ^A</p> <p>۱۰- فقطعنه^A</p> <p>۱۱- فصرع و احتوله الناس^A</p> <p>۱۲- فقطعوه بأسيافهم^A</p> <p>۱۳- يقول (الحسين) قتل الله قوما قتلوك ...^{AD}</p> <p>۱۴- كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى امْرَأَةٍ خَرَجَتْ مَسْرَعَةً كَأَنَّهَا الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ^A</p> <p>۱۵- تنادی یا آخیاه و یابن آخیاه^{AD}</p> <p>۱۶- فسألت عليها فقيل هذه زينب ابنة فاطمة ...^{AD-E}</p> <p>۱۷- فجاءت حتى أکبت عليه^A</p> <p>۱۸- فجاءها الحسين فأخذ بيدها فردها إلى الفسطاط^A</p> <p>۱۹- أقبل الحسين إلى ابنه و أقبل فتیانہ إليه^A ۲۰- فقال احمولوا أحمکم^{AD}</p> <p>۲۱- فحملوه من مصرعه حتى وضعوه بين يدي الفسطاط الذي كانوا يقاتلون أمامه^A</p>	
<p>۱- و از پس علی عبدالله بن مسلم بن عقیل بیرون شد^A</p> <p>۲- مردی پیش وی آمد نام او [عمر و</p>	<p>۱- إن عمرو بن صبيح الصدائي رمى عبدالله بن مسلم بن عقيل بسهم^A</p> <p>۲- فوضع كفه على جبهته فأخذ لا</p>	<p>۹- شهادت چند تن از اهل بیت</p>

<p>بن [صیحیح^{A-E}</p> <p>۳- تیری بزدهش و دستش بر پیشانی بدوخت^A ۴- و چون برگشت همان مرد تیری دیگر بزدهش بر پشت و از شکم بیرون آورد^A</p> <p>۵- پس جعفر بن عقیل بیرون شد^A</p> <p>۶- مردی او را تیری بر شکم زد و بکشت^A</p>	<p>یستطیع أن یحرک کفیه^A</p> <p>۳- ثم انتحی له بسهم آخر ففلق قلبه^A</p> <p>۴- فاعتورهم الناس من کل جانب^A</p>	
<p>۱- و حسین را پسری بود یک ساله شیرخواره، نامش عبدالله^{I-E}</p> <p>۲- آواز او بشنید^A</p> <p>۳- دلش بسوخت و او را بخواست و در کنار نهاد و همی گریست^{AP}</p> <p>۴- و مردی از بنی اسد تیری بینداخت و به گوش آن کودک فرو شد و همان گاه بمرد^A</p> <p>۵- حسین آن کودک از بنهاد و گفت: اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ. یا رب، مرا بدین مصیبت‌ها شکیبایی ده^{AD}</p>	<p>۱- لما قعد الحسین أتى بصبي له^A</p> <p>۲- فأجلسه فی حجره زعموا أنه عبدالله بن الحسین^{A-E}</p> <p>۳- قال عقبه بن بشیر الأسدی قال لی أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین إن لنا فیکم یا بنی أسد ما^{AD}</p> <p>۴- قلت فما ذنبی أنا فی ذلک رحمک الله یا أبا جعفر و ما ذلک^{AD}</p> <p>۵- أتى الحسین بصبی له فهو فی حجره إذ رماه أحدکم یا بنی أسد بسهم فذبحه فتلقى الحسین دمه فلما ملأ کفیه صبه فی الأرض^A</p> <p>۶- قال رب إن تک حبست...^{AD}</p>	<p>۱۰- شهادت عبدالله بن حسین</p>
<p>۱- و آن پنج برادر به یکبار بیرون شدند^A</p> <p>۲- ایشان را نیز اندر میان گرفتند و بکشتند^A</p>	<p>۱- زعموا أن العباس بن علی قال لإخوته...^{AD}</p> <p>۲- ففعلوا فقتلوا...^A</p> <p>۳- شد هانی بن ثبیت... ققتله...^A</p>	<p>۱۱- شهادت برادران عباس</p>

	<p>۴- ثم شد علی جعفر بن علی فقتله^A ۵- و جاء برأسه^A ۶- رمی خولی بن یزید ...^A</p>	
<p>۱- پس شمر با شش تن از خاصگان آهنگ وی کردند^A ۲- و حسین با شمشیر آهنگ ایشان کرد^A ۳- مردی زُرعه نامش، شمشیری بر دست حسین زد و دستش از کتف بینداخت^{A-E} ۴- حسین بیفتاد و باز برخاست و آهنگ آن پیاده کرد. باز بیفتاد^A ۵- پیاده از پس او اندر آمد و حربه‌ای بزدش بر پشت و از سینه بیرون آورد^A ۶- حسین بیفتاد. مرد حربه از وی بیرون کشید^A ۷- و جان با حربه از تن وی بیرون آمد^I ۸- شمر فراز رفت و سرش ببرید^A</p>	<p>۱- لقد مكث طويلا من النهار^A ۲- و لو شاء الناس أن يقتلوه لفعلوا^A ۳- فنادی شمر فی الناس و یحکم ماذا تنظرون بالرجل...^{AD} ۴- فحمل علیه من کل جانب^A ۵- فضربت کفه الیسری ضربة ضربها زرعة بن شریک التمیمی^A ۶- و ضرب علی عاتقه ثم انصرفوا و هو ینوء و یکبو^A ۷- حمل علیه فی تلک الحال سنان بن أنس بن عمرو النخعی فطعنه بالرمح فوق^A ۸- ثم قال لخولی بن یزید الأصحی احتز رأسه^{AD} ۹- فأراد أن یفعل فضعف فأرعد^A ۱۰- فقال له سنان بن أنس ..^{AD} ۱۱- فنزل إليه فذبحه و احتز رأسه^A ۱۲- ثم دفع إلى خولی بن یزید ..^A</p>	<p>۱۲- شهادت امام</p>
<p>۱- و قَبَسَ بن اشعث پیراهن از وی بیرون کرد^A ۲- و بحر بن کعب</p>	<p>۱- سلب الحسین ما کان علیه^A ۲- فأخذ سراويله بحر بن کعب^A</p>	<p>۱۳- غارت لباس‌های امام</p>

<p>۳- سر اویش برگرفت^A ۳- و اخنس بن مرثد عمامه‌اش برگرفت^A ۴- و حبیب بن بُدیل شمشیرش برگرفت^A</p>	<p>۳- أخذ قیس بن الأشعث قطیفته و کانت من خز^{A-I} ۴- و کان یسمی بعد قیس قطیفة^E ۵- أخذ نعلیه رجل من بنی أود یقال له الأسود^{A-E} ۶- أخذ سیفه رجل من بنی نسهل بن دارم^A ۷- فوقع بعد ذلك إلى أهل حبیب بن بدیل^I</p>	
<p>۱- شمر آهنگ خیمه و غارت کرد^A ۲- و جامه از تن و سر زنان همی ربودند و زنان همی خروشیدند^A ۳- عمر سعد بانگ زنان بشنید، آنجا رفت^A ۴- شمر را دید شمشیر کشیده و علی بن حسین بیمار خفته بود^{A-I} ۵- همی خواست او را کشتن^A ۶- عمر گفت: شرم نداری از کشتن کودکی رنجور چه آید؟^{AD} ۷- گفت: مرا امیر عبیدالله بن زیاد فرموده است که نرینه از آل وی زنده مگذار^{AD} ۸- عمر گفت: کافران کودکان را نکشند...^{AD}</p>	<p>۱- انتهیت إلى علی بن الحسین بن علی ..^{A-I} ۲- و إذا شمر بن ذی الجوشن فی رجالة معه یقولون ألا تقتل هذا^{AD} ۲- فقلت سبحان الله أنقتل الصبیان إنما هذا صبی^{AD} ۳- قال فما زال ذلك دأبی أدفع عنه کل من جاء حتی جاء عمر بن سعد^{AD} ۴- فقال ألا یدخلن بیت هؤلاء النسوة أحد و لا یرضن لهذا الغلام المریض و من أخذ من متاعهم شیئا فلیرده علیهم^{AD} ۵- قال فوالله ما رد أحد شیئا^{AD} ۶- فقال علی بن الحسین ..^{AD}</p>	<p>۱۴- حمله به خیمه امام سجّاد</p>
<p>۱- پس شمر عمر را گفت: امیر</p>	<p>۱- این عمر بن سعد نادى فى أصحابه</p>	<p>۱۵- تازش اسب</p>

<p>عبدالله فرموده است که اسبان بر تن حسین بران AD ۲- بیست سوار یکی اسحق بن حیوه و اخنس بن مرثد با هجده کس دیگر ... A-E</p>	<p>من یتندب للحسین و یوطئه فرسه AD ۲- فانتدب عشرة منهم إسحاق بن حیوة الحضرمی و ... A-I-E</p>	<p>بر پیکر امام</p>
---	---	---------------------

روایت بلعمی در پیرفت ۱ نسبت به روایت طبری کوتاه‌تر شده‌است. گزاره A-E۱، A۲ روایت طبری در گزاره A۳ روایت بلعمی انعکاس یافته و با اعمال گشتار تلخیص به یک گزاره تبدیل شده‌است. گزاره‌های ۳ تا ۱۸ (به جز ۸ و ۱۱) روایت طبری در روایت بلعمی با اعمال گشتار برش حذف شده و گزاره‌های AD۸ و AD۱۱ با اعمال گشتار تلخیص به گزاره AD۴ تبدیل شده‌اند. شیوه بیان روایت بلعمی در این پیرفت نسبت به شیوه بیان روایت طبری دیگرگون است. بر اساس این شیوه، بلعمی نام شبت بن ربعی و... را از سخن امام حذف کرده و به جای آن از «فلان» بهره برده و گفتگوی شمر و حبیب بن مظاهر و دیگر شخصیت‌ها را از این پیرفت، حذف کرده‌است. در این شیوه، مخاطب با روایتی یک‌دست‌تر و روان‌تر مواجه می‌شود.

در پیرفت ۲، گزاره‌های ۱ تا ۱۲ با اعمال گشتار برش حذف شده‌اند. برش این گزاره‌ها سبب اعمال گشتار حذف انگیزه نیز شده‌است. بنابراین، بر خلاف روایت طبری، در روایت بلعمی انگیزه پیوستن حرّ به سپاه امام آشکار نیست. و گزاره‌های AD۱۳ و AD۱۴ با اعمال گشتار انبساط در ۵ گزاره روایت شده‌اند. همچنین حذف شخصیت قره بن قیس و مهاجر بن اوس از این پیرفت، سبب شده‌است که مخاطب با روایتی فشرده و خلوت‌تر روبرو شود و از سردرگمی دور بماند. ورود شخصیت‌های متعدّد در روایت طبری، ممکن است ارزش تاریخی متن را بیفزاید و داده‌های ارزشمندی به روایت‌شنو بدهد، اما موجب سردرگمی و شلوغی روایت می‌شود؛ چرا که بسیاری از این شخصیت‌ها کنش‌های تأثیرگذاری در روایت ندارند. بنابراین، بلعمی با این برش، خطّ اصلی روایت را به اختصار به مخاطب منتقل کرده‌است.

گزاره AD۱ پیرفت ۳، به روایت بلعمی افزوده (گشتار انبساط) و گزاره ۱ و ۲ روایت طبری حذف شده‌اند (گشتار برش). افزوده‌شدن گزاره AD۱ به روایت بلعمی موجب ارزش‌گذاری شخصیت شمر شده‌است؛ به این معنی که شمر با تحریک عمر سعد برای آغاز نبرد، به شکلی مؤثرتر و مهم‌تر از روایت طبری نشان داده شده‌است.

در پیرفت ۴، طبری دو روایت از مرگ عبدالله بن حوزة نقل کرده که بلعمی تنها از روایت نخست بهره برده است. این روایت با اعمال همزمان گشتار برش و تراش (تلخیص) از ۸ گزاره به ۴ گزاره کاهش یافته است. بنابراین، شیوه بیان روایت بلعمی در این پیرفت نیز دیگرگون می‌نماید. هدف اصلی طبری، انتقال بیشترین داده‌های تاریخی مخاطب است؛ بنابراین روایت او مشحون از شخصیت‌ها و نقل‌های متفاوت است. در همین پیرفت نیز، راوی طبری دو روایت را به مخاطب ارائه کرده است. در مقابل، هدف بلعمی این است که خط اصلی روایت را در کوتاه‌ترین و مختصرترین مسیر به مخاطب منتقل کند. بنابراین ترجیح راوی بلعمی این است که ضمن برش یکی از دو روایت با تراش گزاره‌ها، مخاطب را سریع‌تر در جریان رویداد قرار دهد.

گزاره‌های ۵ تا ۷ روایت بلعمی در پیرفت پنجم همان گزاره‌های ۲ تا ۵ روایت طبری است، اما گزاره‌های ۵ تا ۱۰ روایت طبری حذف (گشتار برش) و گزاره‌های ۱ تا ۴ و ۸ و ۹ به روایت افزوده (گشتار انبساط) شده است. آن چه در این پیرفت شایان توجه است، طول گزاره‌ها در دو روایت است. گزاره‌های روایت طبری نسبت به گزاره‌های روایت بلعمی طولانی‌تر است. از این منظر، می‌توان اذعان داشت که این گزاره‌ها تراش خورده و به عنوان سبک روایت راوی بلعمی به صورت جمله‌های کوتاه انعکاس یافته‌اند. در این سبک روایت نیز مخاطب با سرعت بیشتری به داده‌های روایت دست می‌یابد و از سردرگمی ناشی از جملات طولانی در امان می‌یابد.

گزاره‌های A_۱، AD_۲، AD_۴، AD_۵ پیرفت ۶ روایت طبری در روایت بلعمی حذف شده‌اند. رجزخوانی شخصیت نافع در روایت بلعمی برش خورده است. چرا که در شیوه بیان روایت بلعمی، هر عاملی که سبب کند شدن خط روایت است، اضافی بوده و باید حذف شود. با اعمال گشتار برش و در عین حال تراش گزاره‌ها و کوتاه شدن جملات، سرعت در روایت افزوده شده و مخاطب بدون فراز و فرود به انتهای پیرفت می‌رسد.

در پیرفت ۷، گزاره‌های A_۱، A_۲ روایت طبری در روایت بلعمی استفاده نشده (گشتار برش) و گزاره‌های ۱ تا ۳ روایت بلعمی افزوده شده‌اند (انبساط). گزاره I_۱ که یک گزاره اطلاعاتی است، به نمایشی‌تر شدن روایت کمک کرده است. تفاوت گزاره I_۲ روایت بلعمی با گزاره A_۱ روایت طبری نشان می‌دهد که بلعمی در این پیرفت از منبع دیگری استفاده کرده است. علاوه بر این، در گزاره A_۴ روایت بلعمی، تعداد کشتگان سپاه امام در اثر تیراندازی سپاه عمر سعد به وضوح اعلام شده است.

۲۶۳ بررسی تحلیلی و تطبیقی روایت عاشورا در تاریخ طبری و تاریخ بلعمی بر اساس نظریه فزون‌متنیت
ژنت (حامد صافی)

در پیرفت ۸، گزاره‌های ۱ تا ۳ و ۷ تا ۱۱ و ۱۶ با اعمال گشتار انبساط به روایت بلعمی افزوده شده‌است. اعمال گشتار انبساط در این اندازه، بهره‌گیری بلعمی از منبعی غیر از روایت طبری را محتمل می‌سازد. شخصیت مره بن منقذ و لیلی مادر علی اکبر حذف شده‌است. این حذف نیز تحت تأثیر سبک روایت راوی بلعمی انجام شده‌است. در روایت بلعمی با کمترین حجم شخصیت‌ها روبرو هستیم؛ چرا که راوی تلاش کرده روایتی کم‌افت و خیز با کمترین شکست در خط روایت به مخاطب منتقل کند.

گزاره A_۱ در پیرفت ۹، به روایت بلعمی افزوده شده (انبساط) و از این طریق، روایت جنبه منطقی‌تری گرفته‌است؛ چرا که بر اساس روایت طبری، عمر بن صبیح مستقیماً تیری به سوی عبدالله بن مسلم پرتاب می‌کند. گویی عبدالله در میان سپاه امام حسین ایستاده و عمر بن صبیح بدون دلیل، این تیر را پرتاب کرده‌است. با افزودن گزاره A_۱، عبدالله از سپاه خارج و سپس تیر به سوی او پرتاب می‌شود.

پیرفت ۱۰ در روایت بلعمی با یک گزاره اطلاعاتی آغاز شده‌است (گشتار انبساط) که از این طریق، ارتباط مخاطب با روایت، به صورت منطقی‌تری برقرار می‌شود. راوی، نخست، فرزند شیرخوار امام را معرفی می‌کند و پس از آن، به روایت کنش شخصیت‌ها می‌پردازد. از سوی دیگر، حذف گزاره AD_۳ و AD_۴ سبب شده‌است که روایت، نظم زمانی بیشتری داشته‌باشد و از زمان‌پریشی (anachronies) فاصله بگیرد. در روایت طبری، زمان روایت از روز عاشورا به روزگار امام محمد باقر تغییر می‌یابد و زمان‌پریشی به گونه پس‌نگر (proleps) مخاطب را دچار سردرگمی و خط روایت را دچار تشویش می‌کند. به همان اندازه که زمان‌پریشی می‌تواند برای یک روایت داستانی، ویژگی سبکی مثبتی به شمار رود، برای یک روایت تاریخی زیان‌آور است. بنابراین، در روایت بلعمی با اعمال گشتار برش، نظم روایی (order) را به روایت برگردانده‌است.

طبری پیرفت ۱۱ را با جزئیات بیشتری روایت کرده‌است. در روایت بلعمی، AD_۱، A_۲ با اعمال گشتار برش، حذف و گزاره‌های ۳ تا ۶ روایت طبری با اعمال گشتار تلخیص، در دو گزاره روایت شده‌است. این برش و تلخیص نیز به دلیل تعدد شخصیت‌ها اعمال شده‌است. در شیوه بیان راوی بلعمی از کثرت شخصیت‌ها کاسته شده و به جای آن، سرعت به خط روایت افزوده شده‌است.

در پیرفت ۱۲، گزاره A_۱ و A_۲ در روایت بلعمی حذف و گزاره A_۳ و A_۴ به گزاره A_۱ تبدیل شده‌است. از آن جایی که کوتاه‌نویسی یکی از ویژگی‌های سبکی نثر بلعمی است،

برش سخن شمر با یارانش و تراش گزاره‌ها برای کوتاه‌نویسی منجر به اعمال گشتار تلخیص شده‌است. گزاره^{A۲} به روایت بلعمی افزوده (گشتار انبساط) و از این طریق، نبرد دو جانبه امام و یاران شمر به تصویر کشیده شده‌است. گزاره‌های ۷ تا ۱۰ روایت طبری نیز برش داده شده و با گشتار انبساط، گزاره‌های ۶ تا ۸ اضافه شده‌است. این برش و انبساط و نیز جایگزینی شمر به جای سنان بن انس، احتمال بهره‌گیری بلعمی از منبعی دیگر را تقویت می‌کند.

در پیرفت ۱۳، گزاره‌های ۱ و ۴ تا ۶ روایت طبری در روایت بلعمی برش داده شده‌اند. در عین حال، گزاره‌ها به نحوی تراش داده شده به شکل مسجع نقل شده‌اند. بر اساس این توضیح، در این پیرفت، اعمال همزمان گشتار تلخیص (برش+تراش) به کوتاه‌تر شدن روایت بلعمی منتج شده‌است.

در پیرفت ۱۴، گزاره^{A-1۱} از روایت بلعمی برش داده و در برابر، گزاره‌های A۱ و A۲ افزوده شده‌است (انبساط). از طریق افزودن شدن این دو گزاره، شخصیت شمر مؤثرتر از آن چیزی نشان داده شده که در روایت طبری می‌بینیم (ارزشگذاری دوباره)؛ چرا که در روایت بلعمی دو کنش غارت خیمه‌ها و ربودن جامه از تن و سر زنان به او نسبت داده شده‌است. در روایت طبری، شخصیتی ناشناس مانع کشته شدن امام سجّاد می‌شود. این در حالی است که در روایت بلعمی، عمر سعد شمر را از کشتن امام برحذر می‌دارد. به نظر می‌رسد که بلعمی برای واضح بودن روایت، از منبعی دیگر کمک گرفته و این پیرفت را بازسازی کرده‌است.

در پیرفت ۱۵ روایت بلعمی، شمر عمر سعد را برای تازش بر پیکر امام تحریک می‌کند. از این منظر، شخصیت شمر در روایت بلعمی نسبت به روایت طبری مؤثر تر نشان داده شده‌است (ارزشگذاری دوباره). انگیزه تازش اسب بر پیکر امام در روایت طبری نامشخص است و در روایت بلعمی این کار به دستور ابن زیاد صورت گرفته است (انگیزه‌سازی). گزاره^{A-1E۲} روایت طبری در روایت بلعمی کوتاه‌تر شده‌است. از آن جایی که این کوتاهی علاوه بر برش به ایجاز و کوتاه‌نویسی منجر شده، گشتار تلخیص عامل اصلی کاهش این گزاره می‌تواند باشد.

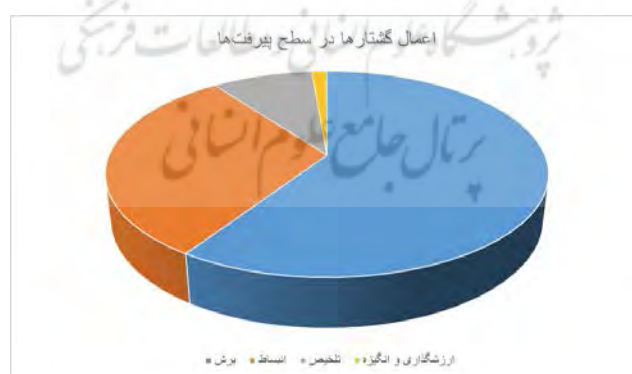
۵. نتیجه‌گیری

۲۶۵ بررسی تحلیلی و تطبیقی روایت عاشورا در تاریخ طبری و تاریخ بلعمی بر اساس نظریه فزون‌متنیت

ژنت (حامد صافی)

بیش‌ترین گشتار اعمال شده در روایت بلعمی، نسبت به روایت طبری از روز عاشورا، از نوع گشتار کمی است. این گشتارها در دو نوع برش و انبساط ابتدا در سطح پیرفت‌ها اعمال شده‌اند. بنابراین، از روایت طبری که در ۷۴ پیرفت قابل تجزیه است، ۵۹ پیرفت با اعمال گشتار برش، حذف شده‌اند. بنابراین، روایت بلعمی از نظر حجم، نسبت به روایت طبری، کاهش چشمگیری داشته‌است. این ویژگی حاکی از آن است که بلعمی با هدف اختصار به سراغ روایت طبری رفته‌است. در مقابل، ۷ پیرفت با اعمال گشتار انبساط به روایت بلعمی افزوده شده‌اند. از آن جایی که بلعمی راوی یک روایت تاریخی بوده و نه داستانی، بهره‌گیری از منبع یا منابعی دیگر در کنار طبری، برای افزودن پیرفت‌های دیگر، محتمل است. به بیانی دیگر، بلعمی پس از حذف پیرفت‌هایی از روایت طبری، هر جا احساس کرده که روایت دچار گسست است، از طریق بهره‌گیری از منابع دیگر، این گسست را جبران کرده و روابط علی-معلولی پیرفت‌ها را پررنگ کرده‌است. در سطح دوم، گشتارهای کمی (عمدتاً برش و سپس انبساط) در هر یک از پیرفت‌های برگرفته از روایت طبری اعمال شده‌اند. در این سطح از اعمال گشتار انبساط نیز احتمال بهره‌گیری بلعمی از منابع جانبی در کنار تاریخ طبری وجود دارد. در واقع، بلعمی از طریق حذف گزاره‌هایی از متن طبری، گزاره‌های دیگری را در دل پیرفت‌های برگرفته از روایت طبری گنجانده‌است. تغییر شیوه بیان روایت بلعمی نسبت به طبری (از اطناب به ایجاز) یکی از انگیزه‌های اصلی برای اعمال گشتار تراش محسوب می‌شود و از آن جایی که این گشتار عمدتاً همزمان با برش اعمال شده، باید از تأثیرگذاری گشتار تلخیص سخن گفت. مهم‌ترین تأثیر اعمال این گشتارها این است که سرعت در روایت بلعمی نسبت به روایت طبری بیشتر شده‌است. پس از انواع گشتار کمی، گشتار ارزش‌گذاری و انگیزه‌سازی در روایت بلعمی تأثیرگذار بوده‌است. در پی اعمال گشتار ارزش‌گذاری، شخصیت شمر در روایت بلعمی نسبت به روایت طبری تأثیر و نقش بیشتری در رویدادهای روز عاشورا داشته‌است. نمودار زیر بسامد اعمال گشتارها را در بلعمی نشان می‌دهد. بر اساس این دو نمودار، قطعاً نمی‌توان روایت بلعمی را از روز عاشورا ترجمه‌ای از روایت طبری، به معنای روایتی برگردان از

عربی به فارسی، دانست؛ بلکه روایت بلعمی از روز عاشورای سال ۶۱ هجری قمری بیش‌متنی است که یکی از پیش‌متن‌های آن، روایت طبری است. می‌توان گفت که بلعمی از طریق حذف پیرفت‌های روایت طبری، افزودن چند پیرفت برای برطرف کردن گسست، حذف گزاره‌ها و افزودن گزاره‌های دیگر، روایت تاریخ طبری را بازسازی کرده‌است. علاوه بر تفاوت ظرفیت زبان فارسی با زبان عربی که عاملی مهم در تغییر روایت طبری به شمار می‌رود، بستر فرهنگی متفاوتی که دو راوی (بلعمی و طبری) در آن روایت کرده‌اند و نیز نیت روای بیش‌متن (بلعمی) که مبتنی بر اختصار بوده، سرچشمه‌های اصلی دیگرگونی روایت تاریخ بلعمی نسبت به متن تاریخ طبری است. ۹.



۲۶۷ بررسی تحلیلی و تطبیقی روایت عاشورا در تاریخ طبری و تاریخ بلعمی بر اساس نظریه فزون‌متنیت

ژنت (حامد صافی)

پی‌نوشت

۱-Interdingual

۲ Interlingual

۳ Intersemiotic

۴ Transformation

۵ Roland Barthes

۶ sequence

۷ proposition

۸ Vladimir Propp

۹. این مقاله مستخرج از نتایج طرح تحقیقاتی اجرا شده با شماره قرارداد ۱۷۵ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ از محل اعتبارات ویژه پژوهشی دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر می‌باشد.

کتاب‌نامه

- احمدی، بابک، (۱۳۷۰)، ساختار و تأویل متن، چاپ سوم، تهران: مرکز اسکولز، رابرت، (۱۳۷۹)، عناصر داستان، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران: مرکز. التون ال، دانیل (۱۳۹۳). «روایت بلعمی از تاریخ صدر اسلام»، طبری پژوهی (اندیشه‌گزاری طبری، نابغه ایرانی)، دفتر دوم، صص ۱۶۵۵-۱۶۸۹ انوار، سیدعبدالله (۱۳۹۳). «آیا تاریخ طبری تاریخ است یا نقل‌کننده حوادث؟». طبری پژوهی (اندیشه‌گزاری طبری، نابغه ایرانی)، دفتر یکم، صص ۱۲۷-۱۳۵ بامشکی، سمیرا. (۱۳۹۱)، روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی. چاپ اول، تهران، هرمس. بلعمی، ابومحمد (۱۳۸۹). تاریخ‌نامه طبری، تصحیح و تحشیه محمد روشن، چاپ سوم، تهران: انتشارات سروش

۲۶۸ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲

بهار، محمدتقی (۱۳۱۰). «ترجمه تاریخ طبری»، نامه تمدن، سال اول، شماره ۵ و ۶، صص

۱۳۳-۱۴۴

پراپ، ولادیمیر، (۱۳۶۸)، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ اول، تهران: توس.

دلایل، ژان (۱۳۸۱). تحلیل کلام: روشی برای ترجمه. ترجمه اسماعیل فقیه، چاپ اول، تهران: انتشارات رهنما

ریکور، پل (۱۳۹۲). درباره ترجمه. ترجمه مدیار کاشیگر، چاپ اول، تهران: نشر افق

صدیقی ینگگی ارخ، ثریا (۱۳۹۰). «بررسی و مقایسه داستان‌های تاریخ طبری، بلعمی، شاهنامه و سیاستنامه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد مهاباد

فالر، راجر و دیگران (۱۳۶۹). زبان‌شناسی و نقد ادبی. ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده، چاپ اول، تهران: نشر نی

فضلی، فاطمه (۱۳۸۷). مطالعه تطبیقی تاریخ ایران باستان در روایات طبری و بلعمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ باستان، دانشگاه تهران

طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، (۱۳۷۵)، تاریخ الامم والملوک.. بیروت: دارالکتب العلمیه.

هلبک، بوریس (۱۳۷۲). «عوامل و مراحل ترجمه». ترجمه محمد علی مختاری اردکانی، نشر پژوهی ادب فارسی، شماره ۴، صص ۱۴۹-۱۶۲

Catford, J.C.A. (1965) *Linguistic Theory of Translation*, Oup, London

Genette, Gerard. (1997) *palimpsests: literature in second Degree*. Trans: Channa Newman and Calude Doubinsky. Lincoln: University of Nebraska press

Jakobson, R. (2000), on *Linguistic Aspects of Translation*, cited in L. Venuti (ed), *The Translation studies Reader*, Routledge, London

۲۶۹ بررسی تحلیلی و تطبیقی روایت عاشورا در تاریخ طبری و تاریخ بلعمی بر اساس نظریه فزون‌متنیت
ژنت (حامد صافی)

New mark,P (1982). *Approaches of Translation* pergamon press, Oxford

References

- Ahmadi, Babak. 1991. *Sakhtar va Ta'vil-i Matn*. Tehran: Markaz Publications. [in Persian]
- Al-Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir. 1996. *Tarikh al-Umam wa-l-Muluk*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [in Arabic]
- Anvar, Seyyed Abdullah. 2014. "Aya *Tarikh-i Tabari* Tarikh Ast Ya Naqlkunandi-yi Havadis?" In *Tabaripazhuhi (Andishiguzari-yi Tabari Nabighi-yi Irani) Vol. 1*: 127-135. [in Persian]
- Bahar, Mohammadtaqi. 1921. "Tarjimi-yi Tarikh-i Tabari." *Nami-yi Tammadun* 1 no. 5 and 6: 133-144. [in Persian]
- Bal'ami, Abu Muhammad. 2010. *Tarikhnamiyi Tabari*. Edited and Annotated by Mohammad Rawshan. Tehran: Soroush Publications. [in Persian]
- Bameshki, Samira. 2012. *Rivayatshinasi-yi Dastan-ha-yi Masnavi*. Tehran: Hermes Publications. [in Persian]
- Daniel, L. Elton. "Manuscripts and Editions of Bal'ami's *Tarjimi-yi Tarikh-i Tabari*." In *Tabaripazhuhi (Andishiguzari-yi Tabari, Nabighi-yi Irani)*: 1655-1689 [in Persian]
- Delisle, Jean. 2002. *Translation: An Interpretive Approach*. Translated by Fereydun Badre'i. Tehran: Rahnama Publications. [in Persian]
- Fazli, Fatemeh. 2008. "Mutali'i-yi Tatbiqi-yi Tarikh-i Iran-i Bastan dar Rivayat-i Tabari va Bal'ami." Master's diss., University of Tehran. [in Persian]
- Fowler, Roger *et al.* 1990. *Linguistics and Literary Criticism*. Translated by Maryam Khuzan and Hossein Payandeh. Tehran: Nay Publications. [in Persian]

- Helbec, Boris. 1993. "Factors and Steps in Translation." Translated by Mohammad Ali Mokhtari Ardakani. *Nasrpazhuhi-yi Adab-i Persian* no. 4: 149-162.
- Hosseini, Alireza, A'zami Khavirad, Hassan, Bakhshandi, Maryam, and Esmā'ili, Purya. 2019. "Baynamatni-yi Ash'ar-i Arabi-yi Khurasan dar Qarn-ha-yi Chaharum va Panjum ba Mu'allaqat." *Pazhuhish-ha-yi Bayn-i Rishti'i-yi Adabi* 1 no. 1: 75-98.
- Propp, Vladimir. 1989. *Morphology of Folktale*. Translated by Fereyduun Badre'i. Tehran: Tus Publications. [in Persian]
- Ricoeur, Paul. 2012. *On Translation*. Translated by Media Kashigar. Tehran Ofoq Publications. [in Persian]
- Scholes, Robert. 2000. *Story Elements*. Translated by Farzaneh Taheri. Tehran: Markaz Publications. [in Persian]
- Seddighi Yengi Arakh, Sorayya. 2011. "Barrasi va Muqayisi-yi Dastan-ha-yi Tarikh-i Tabari, Bal'ami, Shahnami va Siyasatnami." Master's diss., Mahabad Azad University. [in Persian]
- Sha'bani, Enayatollah, Emadi, Nafiseh, and Daftari, Fatemeh. 2021. "Tahlil-i Chahar Tarjimi-yi Ingilisi az Guzidi-yi Ash'ar-i Bustan-i Sa'di ba Istifadi az Nazariyi-yi Catford." *Pazhuhish-ha-yi Bayn-i Rishti'i-yi Adabi* 1 no. 1: 75-98. [in Persian]